

جزوه جمع بندی نهایی

مددکاری اجتماعی (کار با فرد)

- ✓ نکات طلایی و مهم
- ✓ ویژه مرور شب امتحان
- ✓ مناسب آزمون های استخدامی

مددکاری اجتماعی حرفه است یعنی بخشی از اطلاعات آن را هنگام کار و اجرا، با تجربه کردن می توان آموخت.



مددکاری اجتماعی مبتنی بر دانش است به این معنا که باید بخش عمده ای از دانش مربوط به این حرفه را از طریق آموزش فرا گرفت.



مددکار اجتماعی بر اصل هایی استوار است، این اصول شش گانه که در بسیاری از رشته های دیگر نیز مطرح است عبارت اند از:

- ۱- پذیرش
- ۲- فردیت
- ۳- راز داری حرفه ای
- ۴- رابطه حرفه ای
- ۵- مشارکت مراجع در فعالیت ها
- ۶- خود آگاهی مددکار اجتماعی



مددکار اجتماعی مبتنی بر مهارت است مددکار اجتماعی در مقام فردی متخصص برای جمع اموری اطلاعات، تشخیص مشکلات یا نیازها و ... باید مهارت های خاصی داشته باشد که از جمله آنها می توان به مهارت در مصاحبه، محاسبه، خوب گوش دادن و بازدید از منزل.



توانایی های لازم:

یک مددکار باید توانمندی های روحی خاصی داشته باشد تا بتواند مشکلات و معضلات را تا در زندگی انسانها می بیند تحمل کند. پس باید پذیرفت که افراد زود رنج و بسیار احساسی و عاطفی به درد این رشته نمی خورند. در ضمن یک مددکار نباید

در گفتگو و ارتباط برقرار کردن با دیگران دچار مشکل شود. و در نهایت یک مددکار باید خود را به خوبی بشناسد چون اگر خود را شناسد نمی تواند به دیگری شناخت بدهد و او را کمک کند.

۱- اصل پذیرش:

یکی از اصولی که مددکاران اجتماعی باید رعایت کنند اصل پذیرش است. مددکار اجتماعی باید مراجعان را با گشاده رویی و احترام بپذیرد و حرف هایشان را در گوش کند و در برخورد با آنها واکنش های کلامی و غیر کلامی مناسب داشته باشد. بین مراجعان خود تفاوت و تبعیض قائل نشود و باید مراجعان را آنچنان که هست بپذیرد و تعصبات قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی و جنسی را در نحوه برخورد با مراجع مداخله ندهد.

۲- اصل فردیت

یکی از اصول مددکاری اجتماعی در کار با مراجع توجه به اصل فردیت است، چون ممکن است حتی اگر دو نفر مشکل مشترکی داشته باشند نتوان راه حل مناسبی را ارائه داد، چون

۱-۲: ممکن است عوامل موثر در بروز اختلاف خانوادگی (مثال در مسأله طلاق) در دو مراجع متفاوت باشد.

۲-۲: حتی اگر عوامل تأثیر گذار هم یکسان باشند میزان تأثیر گذاری هر کدام از آنها در افراد مختلف متفاوت باشد.

۳-۲: ممکن است سرعت بروز مشکل در هر دو مراجع یکسان نباشد.

۴-۲: عمق و شدت تأثیر عوامل در دو مراجع لزوماً یکسان نیست.

۵-۲: استعداد و توانایی های دو مراجع ممکن است یکسان نباشد.

۶-۲: ممکن است از نظر ویژگی های شخصی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مثل هم نباشند.

در واقع اصل فردیت به مددکار می گوید که در تدوین برنامه های کمکی برای حل مشکلات باید آلات خاص آنان را در نظر داشته باشد و با مشاهده بعضی خصوصیات مشترک در بین مراجعان راه کار های یکسان و مشابهی انتخاب نکند.

۳- اصل رازداری حرفه ای:

یکی دیگر از اصول مددکاری اجتماعی رازداری حرفه ای است. رازداری مفهومی گسترده دارد و تعیین حد و مرز آن به سادگی امکان پذیر نیست. در رازداری حرفه ای مددکار اجتماعی نمی تواند راز مراجعان را در هر صورت حتی اگر جان فرد و امنیت اجتماعی در خطر باشد رعایت کند.

مددکار اجتماعی رازدار حرفه ای است یعنی رازداری او چهارچوبی دارد که در قالب آن می تواند در حفظ یا فاش کردن راز برای محرمان و افراد حرفه ای اقدام کند به همین دلیل در سوگند نامه مددکاران اجتماعی به پنهان داشتن اسرار مردم از نامحرمان تأکید شده است. پس مددکار اجتماعی نباید از همان آغاز به مراجع قول دهد که همواره حافظ اسرارش باقی بماند بلکه باید به او گوش زد کند که برای حل مشکل یا بر طرف کردن نیازش ممکن است ناگزیر از افراد حرفه ای یا مراکز دیگر کمک بگیرد. یعنی مددکار نباید در مراجع توقع بی جا ایجاد کند. همچنین اگر امنیت اجتماعی جامعه تهدید شود و یا مراجع

جرمی را مرتکب شود که مستوجب مجازات باشد مددکار اصلاً مجاز نیست آن را پنهان کند زیرا این کار در اغلب کشورها خود جرم محسوب می شود.

۴- اصل رابطه حرفه ای

مهمترین اصول مددکاری اجتماعی اصل رابطه حرفه ای است. نشان مشخص حر رابطه حرفه ای عبارت است از آگاه بودن از مقصود و منظوری خاص که خود از دانستن و اطلاع داشتن از نحوه رسیدن به هدف ناشی می شود. به طور بین مددکار اجتماعی و مراجع برای کمک به کلی می توان گفت که رابطه حرفه ای رابطه کنترل شده است که عمداً حل مشکل یا رفع نیازهای او ایجاد می شود. برای ایجاد رابطه ای حرفه ای توجه به این نکات مفید است:

۱-۴: نحوه برخورد با مراجع و پذیرش او در جلسه اول بسیار مهم است، همان طور که مددکار اجتماعی سعی در شناخت مراجع دارد و به حرکات و رفتار و کلام او توجه می کند و از آنها برداشت های متفاوتی می کند مراجع هم از رفتار و گفتار مددکار ارزیابی انجام می دهد. پس نوع برخورد مددکار در کیفیت برقراری رابطه تأثیر فراوان دارد.

۲-۴: در جلسات نخست که مراجع شناختی از مددکار اجتماعی و مؤسسه او ندارد مددکار می تواند با معرفی خود و بیان خلاصه شرح وظایف خود آغازگر صحبت باشد

۳-۴: احترام گذاشتن مددکار اجتماعی به مراجع در ایجاد رابطه تأثیر خوبی دارد چون مراجع دوست دارد با توجه به مشکلی که دارد حرمت او حفظ شود.

۴-۴: برای ایجاد رابطه ای حرفه ای سعی شود در جلسه اول از یادداشت برداری به محض شروع صحبت با مراجع خود داری شود.

۵-۴: نکته مهم دیگر این است که مددکار اجتماعی باید با زبان قابل فهم با مراجع صحبت کند و از به کار بردن کلمات تخصصی که فهم آن برای مراجع مشکل است خود داری کند.

۶-۴: اعتماد متقابل بین مراجع و مددکار اجتماعی نقش مهمی در ایجاد و تقویت رابطه ای حرفه ای دارد.



فنون و روشهای ایجاد ارتباط: آغاز هر رابطه مددکاری زمانی است که مددجو قسمتی از مشکلات خود را با مددکار در میان می گذارد و مددکار باید به نوبه خود نشان دهد که با مددجو هم احساس است و در عین حال شایستگی و کارآیی حرفه ای برای کار با مشکل و حل آن را دارد.



عمده ترین متغیرهای شناخته شده در ارتباط مددکاری عبارت اند از:

علاقه مندی به امور دیگران، پذیرش و توجه مثبت، هم دلی، اقتدار، هم خوانی و هدف مداری است.

۱- علاقه مندی به امور دیگران: بیشتر افراد از شرایط مددجویان در بعضی از گروه ها مانند فقرا، معلولین و سالمندان اظهار ناراحتی می کنند، از همین رو مددکار اجتماعی فرصتی مناسب برای ورود به حرفه ای است که قابلیت تغییر دادن شرایط نامناسب گروه های مختلف اجتماعی را دارد

۲- پذیرش و توجه مثبت: منظور احترام، علاقه مندی و توجه مددکاری مددکار به بهزیستی مددجو است. پذیرش و توجه مثبت باید متوجه شخص مددجو باشد نه رفتار او

۳- همدلی: به معنای هم دردی نیست به عنوان یک انسان غالباً نسبت به وضع ناگوار موجود احساس همدردی می کنیم. این هم دردی لزوماً منجر به تغییر نمی شود. همدلی در اصل بر خلاف همدردی بهره گیری هوش مندانه از مهارت شناخت نظرات دیگران است. به جای احساس تعجب برای بزهکاران مطلق به خانواده های بدسرپرست باید بفهمیم چگونه سعی دارند با سرزنش والدین رفتار خود را توجیه کنند. اگر همدردی بدون توجه ما به میزان احساس تأسف ما در مورد افراد مورد نظر ابراز شود صرفاً سبب تقویت رفتار مشکل آفرین می شود

۴- قتدار: اقتدار دارای دو جزء است: ۱) مجوزی که جامعه برای اجرای این گونه وظایف به مددکار داده است ۲) دانش، ارزش ها و مهارت های حرفه ای مددکار. اگرچه مجوز سبب مراجعه مددجو به مددکار است ولی فقط توانایی های مددکار سبب استمرار اقتدار امور در رابطه با مددجو خواهد شد

۵- اخلاص: یعنی دل دادن و درگیر شدن مددکار حرفه ای برای توجه صادقانه به مددجو و اهمیت قائل شدن برای بهزیستی انسان

۶- همخوانی: زمانی که پاسخ مددکار بازتاب شناخت او از مشکل مددجو باشد رفتار و گفتارش یعنی ارتباط کلامی و غیر کلامی او با مشکل مددجو همخوانی دارد.

۷- هدف مداری: رابطه در مددکاری باید بازتاب فرایند پیگیری هدف باشد. در حقیقت نفس هدف استمرار ارتباط را مشخص می کند.



اصول مرتبط با ارتباط در مددکاری

۱- خود آگاهی در روابط حرفه ای که هر مددکار با مددجویان خویش برقرار می کند متوجه می شود که در نوع انگیزه ها و طرز تفکر ها و تمایلات و اعتقادات خود با مددجویان تضادهایی دارد. اصل خود آگاهی از مددکار می خواهد که احساسات و عواطف مثبت و منفی خود را در روابطش با مددجویی که به عنوان یک انسان در مورد مشکل به سر می برد بشناسد. اصل خود آگاهی به مددکار می آموزد که بین پاسخ هایی که بین پاسخ هایی که به مددجو می دهد و هدف آنها کمک به مددجو است به پاسخ هایی که از انگیزه های شخصی سرچشمه گرفته اند کاملاً تفاوت قائل شود.

۲- توجه به فردیت و حفظ شخصیت فرد مددجو: توجه به فردیت مددجو به مددکار می آموزد که با توجه به تفاوت های فردی انسان ها آنان را مورد توجه خاص قرار دهد. مددکار باید اطلاعاتی راجع به استعداد ها و ظرفیت افراد به دست آورد به نقاط ضعف و قدرت و جنبه های مثبت شخصیت افراد توجه کند.

۳- شرکت کردن در فعالیت ها: یک هدف بسیار مهم در مددکاری آن است که به جنبه های مثبت شخصیت مددجو تکیه نموده و نقش های کمکی بر حسب توانایی های مددجو پایه ریزی شوند و احساس توانایی شایستگی و کارایی در مددجو هرچه بیشتر تقویت شود. در مددکاری به مددجو کمک می شود تا موقعیتی را که را در آن قرار دارد مورد بررسی قرار دهد و امکانات سازگاری را با کمک مددکار تجزیه و تحلیل کند.



تعریف مشکل: مشکل در مددکاری اجتماعی عاملی است که کارکرد فرد را تحت تأثیر قرار می دهد و وضعی به وجود می آورد که بدون حمایت یا مداخله افراد متخصص و حرفه ای از جمله مددکاران اجتماعی خروج از آن وضع یا بهبود آن دشوار و یا حتی ممکن است میسر نباشد به عبارت دیگر از آنجا که علت مراجعه افراد مشکل است بنابراین مشکل حلقه ارتباط مددکار اجتماعی و مراجع است.



ویژگی ها یا ماهیت مشکل:

مشکل در مددکاری اجتماعی ویژگی هایی دارد که برای درک آنها توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- معمولاً از زمان بروز مشکل تا مراجعه به مددکار فاصله ای زمانی وجود دارد که فرد می کوشد مشکل خود را حل کند و فقط زمانی که مطمئن می شود که نمی تواند از عهده این کار برآید به مددکار مراجعه می کند .

۲- مشکل در مددکاری اجتماعی غالباً به تدریج به وجود می آید.

۳- در هر شکل رابطه علت و معلولی وجود دارد. هیچ مشکلی نیست که علتی نداشته باشد، شناخت این علت برای مددکار اجتماعی بسیار مهم و اساسی است. آنها باید در پی شناخت عوامل زمینه ساز بروز مشکل باشند تا در تدوین برنامه های کمکی بر اساس آن عوامل تصمیم گیری کنند.

باید توجه داشت که در حوزه امور اجتماعی رابطه علی میان علت و معلول (مشکل) از قرار زیر است :

الف) یک معلول صرفاً یک علت ندارد بلکه مجموعه ای از عوامل بروز مشکل می شود. مثلاً مورد اعتیاد ممکن است داشتن پدر معتاد، دوست ناباب و بیکاری از عوامل تأثیر گذار در اعتیاد فرد است .

ب) شبکه علیتی در همه افراد یکسان نیست، برای مثال همیشه به سه علت فوق از افراد معتاد نمی شوند بلکه ممکن است عوامل دیگر از قبیل تحمل درد شدید مفاصل، شکست در زندگی در استفاده از مواد مخدر تأثیر گذار باشد
ج) مشکلی واحد که بر دو برهه متفاوت از عمر بروز می کند لزوما علل و عوامل یکسان نخواهد داشت.

۴- مشکل در همه افراد تأثیر یکسان ندارد.

۵- مددکار و مراجع باید درباره مشکل یا مشکلات تفاهم داشته باشند، چون اگر مددکار به مشکلی که برای مراجع مهم یا مد نظرش است توجه نکند احتمال همکاری مراجع کاهش خواهد یافت. مددکاری اجتماعی عرّفه ای هنگام توجه و رسیدگی به مشکل مورد نظر مراجع می تواند ذهن او را متوجه مشکل یا مشکلات اصلی کند.

۶- مددکار اجتماعی باید توجه داشته باشد که همیشه امکان حل همه مشکلات مراجع حتی اگر شناخته شود در یک زمان فراهم نیست

۷- هر چه قدر زمان بروز مشکل تا اقدام به رفع آن فاصله بیشتر باشد حل مشکل وقت بیشتری می گیرد.

۸- مشکل ممکن است از نظر زمانی کوتاه مدت، میان مدت یا درازمدت باشد، مثال: مراجعی که برای درمان بیماری خود پول می خواهد یا فردی که برای رفتن به شهر یا محل سکونت خود پول بلیط می خواهد. مشکل مراجعی که بیکاری است و مهارتی ندارد میان مدت است و چنانچه یکی از مشکلات مراجع بیسوادی باشد مشکل او بلند مدت است.

۹- مشکل افراد ممکن است در زمینه های گوناگون از جمله اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی باشد، اقتصادی مثل فقر - فرهنگی مثل بی سوادی - اجتماعی مثل اعتیاد - بهداشتی درمانی مثل بیماری .

۱۰- مشکل ممکن است خاص یک فرد باشد یا گروه یا کل مردم جامعه . به خاطر آن مراجعه می کنند باید شناخت علمی.

۱۱- شناخت علمی مددکار از مشکلاتی که معمولاً داشته باشد. مثل اعتیاد.

۱۲- ایجاد رابطه حرفه ای احترام به مراجع و رعایت اصول و ارزش های دیگر مددکاری اجتماعی فرایند شناخت و حل مشکل را بهبود می بخشد.

۱۳- گاهی برای شناخت مشکل و حال آن همکاری متخصصان دیگر سازمانها و مؤسسات دیگر ضروری است.

۱۴- مددکار باید وظایف و توانایی های مرکز را معرفی کند، این کار باعث می شود که افراد گرفتار مشکل در مورد رجوع یا رجوع نکردن به مرکز راحت تر تصمیم بگیرند در غیر اینصورت فرد ممکن است اشتباهی به مرکز مراجعه کند.

۱۵- گاهی ممکن است مراجع نداند مشکل واقعی اثر چیست، در این صورت مددکار بسا شناخت مشکلات واقعی باید او را از آنها آگاه کند

۱۶- گاهی ممکن است یک مشکل مشکلاتی را به وجود آورد، مثلاً فردی که از منزل فرار کرده برای زندگی در خیابان و کسب در آمد ممکن است به قاچاق و مصرف مواد مخدر روی آورد.

۱۷- مددکار اجتماعی باید توجه داشته باشد که گاهی مراجع بودن خود مشکل بزرگی برای مراجع باشد.

۱۸- مددکاران اجتماعی باید توجه داشته باشند که همه مشکلات حل شدنی نیستند، مثال ایدز.

۱۹- مددکار اجتماعی باید مواضع باشد که مداخله او مشکل را حادتر نکند، این مسأله بستگی به نوع مشکل مراجع، شرایط خانوادگی و ... دارد .

۲۰- هدایت و مدیریت فرایند شناخت و حل مشکل بر عهده مددکار اجتماعی است.



روش شناسی:

روش های شناسایی و درک شرایط موقعیت مددجو و کشف مشکل و علل بروز و ظهور آنها را بیشتر از دو روش بررسی کرد که عبارت اند از مشاهده و مصاحبه.



مشاهده: به معنای به چشم دیدن، نگاه کردن و حضور داشتن است. مشاهده از زیر دید قرار دادن پدیده های پیرامون و دریافت عمل و عکس العمل غیرکلامی می باشد. مشاهده جزئی اجتناب ناپذیر از هر مطالعه در خصوص هر پدیده اجتماعی می باشد.

انواع مشاهده:

۱) مشاهده به معنای دیدن: دیدنی است به طور عام از آنچه در پیرامون چشم قرار می گیرد. تعبیر و تفسیر بیننده به زمینه های ذهنی و تجارب او بستگی دارد و چنین دیدنی مانع دخالت احساسات و عواطف در دیدن نمی شود و بدون هدف و تنظیم خاصی است.

۲) مشاهده بر اثر انگیزه های خاصی روانی یا به دلایل مشخص اجتماعی: این مشاهده بر اثر کنجکاوی های فردی، برآورده شدن نیازهای روان شناختی و یا شناخت از مسائل اجتماعی صورت می گیرد

۳) مشاهده علمی: این مشاهده به منظور درک دقیق پدیده ها با اهداف علمی و حرفه ای و مبتنی بر اساس روش های مشاهده ای که بر اساس هدف کار یا بررسی می تواند به اشکال مختلفی اتفاق بیفتد ولی در هر شکل و به هر صورت مشاهده گردد در غیر جمع آوری و کشف حقایقی است که منجر به شناخت خواهد شد.



مشاهده در حرفه مددکاری: مددکاران اجتماعی در جریان مشکل گشایی و برای شناخت مددجو و مشکل او از مشاهده با هدف درک موقعیت مددجو و استنباط چگونگی مشکلات استفاده می کنند و از این طریق به نکات زیادی که به وسیله سایر

اعضای حسی دریافت آنها مشکل است و یا مقدور نمی باشد دست رسی پیدا کند. درک کنش و واکنش های غیر کلامی مددجو: مشاهده مددجو بسیاری از اطلاعات را از طریق غیر کلامی او ارائه می دهد:

- (۱) از طرق مشاهده بسیاری از مسائل و شرایط مددجو که بیان آنها به دلایل مختلف اتفاق می افتد کشف و شناخته می شود
- (۲) به وسیله مشاهده می توان پاسخ سوالاتی را که طرح آنها موجب تعبیر و تفسیر در مددجو می شود و باعث مقاومت یا وابستگی او می شود به دست آورد.
- (۳) از طریق مشاهده ممکن است بسیاری از مشکلات و حقایق که بر مددجو پوشیده است و آنها را اظهار می کند توسط مددکار تشخیص داده شود و به او در شناخت مسائل مددجو کمک کند.



جنبه های مثبت مشاهده:

- (۱) از میزان حجم اطلاعاتی که از طریق مشاهده حاصل می شود زیاد است و به این معنی که در مدت کوتاهی می توان با مشاهده فرد یا گروه حقایق را درباره مددجو و مشکل پیدا کرد
- (۲) در مواردی که کشف حقایق و واقعیات یا جمع آوری اطلاعات ممکن نیست نظیر پرسشنامه و مصاحبه از طریق مشاهده می توان اطلاعات لازم را کسب کرد
- (۳) در دیگر روشهای جمع آوری اطلاعات همکاری مددجو لازم است، مثال باید وقت داشته باشد و مایل باشد به سوالات پرسشنامه ای پاسخ دهد ولی در مشاهده نیاز چندانی به همکاری یا آمادگی مشاهده شونده وجود ندارد.
- (۴) مشاهده کننده می تواند کنش و واکنش مشاهده شونده را در باره مسائل با همت بیشتری از دیگر روشها و ابزارهای شناخت دریافت کند.



معایب مشاهده:

- (۱) اطلاعات حاصل از مشاهده محدود می شود به زمانی که تنها مشاهد می شود و مکانی که مشاهده در آن بعمل می آید.
- (۲) مشاهده گر ممکن است خواه ناخواه در موقعیت مشاهده و مشاهده شونده تأثیر بگذارد.
- (۳) از مشکلات دیگری که در جریان مشاهده با آن روبه رو هستیم ثبت وقایع است زیرا اشتغال به یادداشت برداری می تواند مشاهده گر را از بعضی موارد غافل کند
- (۴) ممکن است مشاهده گر با مفهوم رفتاری که در فرهنگی مقبول است آشنا نباشد، به طور مثال مراسم عزاداری ملت خاصی؛ به همین دلیل مشاهده بدون درک مفهوم رفتار مشاهده صحیحی نیست.



مصاحبه: از روشهای فعال جمع آوری اطلاعات است که به کنش متقابل بین مددکار و مددجو می پردازد و برای بررسی به صورت مستقیم در نمودهای اجتماعی به کار می رود. مصاحبه در مددکاری به منزله وسیله ای برای شناخت، درک مددجو و مشکل او در جریان مشکل گشایی می باشد.



ساختار یا چهارچوب مصاحبه در مددکاری

۱- آغاز یا شروع مصاحبه رعایت و در نظر گرفتن نکات زیر اهمیت دارد:

- الف) ایجاد امنیت روانی و فیزیکی برای مددجو یا مراجعه کننده به گونه ای که در آغاز مصاحبه به نحوی به مراجعه کننده نشان دهد که وجود او معنا دار است و این معنادار بودن را می توان با طرز برخورد و حرکات مددکار به مددجو شناساند.
- ب) دادن فرصت تطبیق و تطابق؛ مراجعین می توانند از آن دسته افرادی باشند که در مصاحبه پیش قدم باشند و به محض ملاقات با مددکار به راحتی مسأله را تعریف کنند. دسته دیگر کسانی هستند که باید آنها را به بحث کشید و دسته سوم کسانی هستند که باید به آنان فرصت داد تا به تدریج و طی سوالات مختلف به بیان مشکل و دلیل مراجعه خود بپردازند.
- ج) رفع ابهام و کاستن از تردیدها، در این بخش مددکار در جهت رفع ابهام ها به معرفی خود، معرفی مؤسسه، بیان وظایف مؤسسه در مقابل مددجو و مشکلات او می پردازد.
- د) رعایت شأن و منزلت انسانی مددجو: در این بخش مددکار جوهر انسانی مددجو را به عنوان یک ارزش تلقی کرده و تالش می کند شأن و منزلت خاص مددجو را در نظر بگیرد و برای او احترام قائل شود.

۲- مرحله دوم مصاحبه شامل محتوای مصاحبه خواهد شد به این معنا که پس از شروع مصاحبه و توجه به نکات گام اول جریان مصاحبه شکل خواهد گرفت. جریان مصاحبه شامل رویداد های مهمی است که عبارت اند از:

الف: مبادله اطلاعات بین مددکار و مددجو

ب: کشف حقایق و عوامل مؤثر بر مشکل مددجو

ج: تصمیم و تفاهم متقابل د: یافتن راه حل ها و راه های مقابله با مشکل مددجو

۳- خاتمه مصاحبه در مددکاری می تواند آغاز یک جریان پویا و ارتباط وسیع باشد. در واقع مصاحبه مددکار با مددجویانش به منزله گشودن و ایجاد روابط آتی می باشد. خاتمه جریان با فرایند مصاحبه در مددکاری لازم است طی شرایط مبذول داشتن توجه به نکاتی که ذکر می شود صورت گیرد:

الف) کاستن از اوج مصاحبه

ب) ارزیابی مصاحبه توسط مددکار اجتماعی، در این مرحله مددکار مجموعه شنیده ها و دیده های خود را از مددجو بازنگری می کند و علاوه بر آن بر حالات و احساسات و پندارهای خود در حین مصاحبه تأمل و تفکر می کند.



مددکاری اجتماعی و جامعه شناسی: جامعه شناسی یکی از علوم است که ارتباط زیادی با مددکاری دارد. جامعه شناسی را علم تجزیه و تحلیل ظواهر اجتماعی می دانند.



رابطه مددکاری اجتماعی با جامعه شناسی

(۱) موضوع هر دو علم انسان است

(۲) مطالعه و شناخت زندگی مردم در هر دو رشته مهم است

(۳) شناخت ارزشهای اجتماعی، باورها و اعتقادات و ... در جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی جایگاه خاصی دارد

(۴) مطالعه روابط متفاوت میان افراد در هر دو علم مورد توجه است

(۵) مطالعه و شناخت ساخت و کارکرد خانواده و نقش آن در اجتماعی کردن افراد و رفع نیازها و مشکلات در هر دو علم مد نظر است.



مددکاری اجتماعی و روانشناسی: روانشناسی یکی از رشته هایی است که با مددکاری اجتماعی ارتباط زیادی دارد، بعضی روانشناسان (روان شناسی) را مطالعه منظم و همه جانبه علمی پدیده های روانی می دانند، بعضی هم آن را مطالعه رفتار می دانند و نتیجه می گیرند که مطالعه فعالیت هایی که از انسان سر می زند موضوع اصلی روانشناسی است. به طور کلی در رابطه مددکاری اجتماعی با روان شناسی می توان گفت:

(۱) مددکاری با کودک سروکار دارد نیاز به اطلاعاتی در خصوص روانشناسی کودک دارد.

(۲) در کار با زنان استفاده از اطلاعات روانشناسی زنان.

(۳) برای شناخت بیماری های روانی و اختلالات رفتاری برای مددکاران کارساز است .

(۴) مددکار برای بررسی خصوصیات روانی گروه های هدف بر روانشناسان نیاز ضروری دارد.

(۵) در استفاده از مهارت های مختلف از جمله مصاحبه، مشاهده، خوب گوش کردن هر دو اشتراک دارند.



مددکاری اجتماعی و مشاوره و راهنمایی: یکی دیگر از رشته هایی که با مددکاری در ارتباط است مشاوره و راهنمایی است که یکی از شاخه های روانشناسی می باشد. به طور کلی می توان گفت که راهنمایی جریان به فرد کمک می کند تا توانایی ها و بررسی همه جانبه فرد با استفاده از ابزار و فنون گوناگونی است که نیابتاً محدودیت هایش را بشناسد و بر اساس چنین شناختی تصمیمات مناسب و منطقی اتخاذ کند.

با توجه به توضیحاتی که گفته شد می توان گفت که مددکاری اجتماعی در بسیاری از مواقع برای کمک به مراجعان نیاز به متخصص مشاوره و راهنمایی دارد در مشاوره نیز مانند مددکاری اجتماعی این موارد وجود دارد:

الف) احترام به مراجعان و شخصیت آنها

ب) افزایش مهارت های افراد در جهت کمک گرفتن

ج) توجه به فرد مراجع و خانواده

د) کمک به شناختن توانایی ها و استعداد های مراجع



مددکاری اجتماعی و حقوق: حقوق یک امر اجتماعی است و بیش از مذهب و زبان سرشت گروه های اجتماعی را نشان می دهد، قوانین قضایی یک کشور نمایانگر تمایلات و آرزوها و روابطی است که میان نیروهای اجتماعی وجود ارتباط مددکاری اجتماعی و حقوق شامل روابط زیر است:

۱) شناخت قانون اساسی کشور و بهره گیری از موارد آن برای حمایت از گروه های هدف

۲) استفاده از قوانین و مقررات مربوط به ازدواج و طلاق در حمایت از گروه های هدف

۳) استفاده از قوانین و مقررات مدنی در حمایت از گروه های هدف

۴) آشنایی با حقوق کودکان

۵) آشنایی با حقوق و قواعد بین المللی و استفاده از آنها در جهت کمک به گروه های هدف

۶) اعلامیه حقوق جهانی برای رفع تبعیض علیه زنان، پیمان نامه جهانی معلولین و اعلامیه جهانی حقوق بشر



لینک های مفید آزمون استخدامی مددکار کمیته امداد

خرید سوالات مددکار کمیته امداد	سوالات رایگان کمیته امداد با پاسخنامه
خرید سوالات کمیته امداد	خرید درسنامه کمیته امداد
خرید سوالات شب آزمون مددکار کمیته امداد	منابع آزمون
اخبار آزمون	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)
(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )	